



بررسی رابطه روان‌پریشی گرای، استقلال - وابستگی میدانی و خلاقیت دانشجویان دانشگاه اصفهان

دکتر محمدباقر کجباف^۱

گروه روانشناسی دانشگاه اصفهان،
دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

مجتبی خلیلی

آموزش و پرورش استان اصفهان

هدف: هدف از این تحقیق، بررسی رابطه بین روان‌پریشی گرای، استقلال - وابستگی میدانی و تداعی لغات (خلاقیت) بود. **روش:** بدین منظور، از میان دانشجویان دانشگاه اصفهان، ۵۰ پسر و ۶۰ دختر در دو مرحله با روش خوشه‌ای و تصادفی ساده انتخاب شدند. برای بررسی سبک شناختی استقلال - وابستگی میدانی ادراکی دانشجویان، از پرسشنامه روان‌پریشی گرای، آزمون مجموعه اشکال پنهان شده (GEFT) و برای ارزیابی خلاقیت از آزمون تداعی لغات استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین نمرات روان‌پریشی گرای و تداعی لغات (خلاقیت)، رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد ولی بین استقلال-وابستگی میدانی و تداعی لغات رابطه معنی‌دار نبود. همچنین میانگین نمرات تداعی لغات (خلاقیت) در دختران و پسران دانشجویان به طور معناداری متفاوت بود که نشان دهنده برتری پسران نسبت به دختران در این زمینه بود و تفاوت بین میانگین نمرات استقلال - وابستگی میدانی و روان‌پریشی گرای دختران و پسران دانشجویان معنی‌دار نبود. **نتیجه‌گیری:** شناسایی وجوه متفاوت ویژگی‌های شخصیتی و شناختی افراد خلاق از اهمیت خاصی برخوردار است و بر اساس نقاط ضعف و قوت آنان باید برنامه‌ها و امکانات آموزشی مناسب تدوین شود.

مقدمه

بر یک محرک خاص منجر می‌شود و قابلیت آنها را برای در نظر گرفتن محرکات مختلف افزایش می‌دهد.

البته این نکته باید یادآوری گردد که نتایج دستاورد عینی خلاقانه با نتایج آزمون‌های ارزیابی کننده خلاقیت تفاوت دارد، کما اینکه هیچ دلیلی در دست نیست که نشان دهد افرادی که در آزمون‌ها نمره‌های خلاقیت بیشتری می‌آورند، دستاوردهای خلاقانه دارند. آیزنک (۱۹۹۸) نیز این واقعیت تاریخی، یعنی مرد بودن بیشتر عالمان و هنرمندان بزرگ تاریخ را شاهدی می‌گیرد بر اینکه خلاقیت صفتی مردانه است. آیزنک این امر را نه به نابرابری‌های

خلاقیت از دید روانشناسی، پدیدار شدن تلفیق اندیشه‌های نو از منابع ناشناخته به وسیله شهود گرای تعریف شده است (آقایی فیثانی، ۱۳۷۷). گیلفورد^۲ (۱۹۵۹)، خلاقیت را معادل تفکر واگرا و شامل قابلیت‌های شناختی چون سیال بودن، مبتکر و انعطاف‌پذیر بودن و بسط و شمول‌پذیری می‌داند. آیزنک^۳ (۱۹۹۸) خصوصیت اصلی ویژگی شناختی افراد خلاق را همچون افراد مبتلا به اسکیزوفرنیا، «عدم بازداری ذهنی»^۴ می‌داند که به عدم تمرکز آنها

2- Guilford
4- mind disinhibition
۱۷

3- Eysenck

۱ - نشانی تماس: اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی.
E-mail: m.b.kaj@edu.ui.ac.ir



محیطی، اجتماعی و فرهنگی، بلکه به یک صفت و ویژگی روانی به نام روان‌پریشی گرایی^۱ نسبت داده است؛ ویژگی‌ای که اساساً هویتی مردانه دارد و به مردان روحیه جنگندگی می‌بخشد تا بتوانند با عرف رفتاری و شناختی زمانه مقابله کنند. البته تحقیقات تجربی در این زمینه به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند. پاره‌ای از محققان نشان داده‌اند که مردان از زنان خلاق‌ترند و گروهی دیگر تفاوت معناداری بین دو جنس ندیده‌اند. خلاقیت را می‌توان نوعی سازوکار جبران و یا تصعید^۲ تلقی کرد و یا آن را نوعی خود شکوفایی فردی در نظر گرفت و در مقابل نگاه منفی اول، نگاه مثبتی به آن داشت.

به عقیده آیزنک (۱۹۹۸)، از اهم ویژگی‌های شخصیتی افراد خلاق «روان‌پریشی گرایی» است که آن را شامل ویژگی‌هایی چون «خونسردی، خود محوری، خلاقیت و داشتن برخورد غیر شخصی، تکانشی، ضداجتماعی، تفکر سخت و غیر منعطف، و همدلی نداشتن می‌داند. فرض آیزنک این است که روان‌پریشی گرایی در سطح بالا با خلاقیت بسیار مرتبط است، در حالی که روان‌پریشی گرایی واقعی این ارتباط را از میان می‌برد (همان‌جا). ویژگی‌هایی که از نظر او با خلاقیت سطح پایین ارتباط دارند، عبارت‌اند از: همرنگی با جماعت، پاسخ‌های متداعی متعارف، همدلی و روان‌رنجورخویی^۳ که علت آن نقص در ویژگی روانی خاصی به نام «توانمندی من»^۴ می‌باشد. آیزنک بیان داشت که آنچه در مورد ارتباط میان روان‌پریشی گرایی و خلاقیت شک و شبهه ایجاد کرده است، به این اشتباه برمی‌گردد که ناهنجاری‌های انسانی را به صورت طبقه‌بندی روانپزشکی در نظر گرفته‌اند و نه پیوستاری که روان‌پریشی گرایی در انتهای آن قرار می‌گیرد و پیوستار از حد بهنجار تا روان‌پریشی اسکیزوفرنیا را شامل می‌شود.

مرتین^۵ (۱۹۹۵) رابطه میان روان‌پریشی گرایی و خلاقیت (تداعی لغات) را روی ۴۰ نفر نویسنده و هنرمند بررسی کرد و بدین نتیجه رسید که گرایش این گروه به روان‌پریشی گرایی نسبت به گروه عادی بیشتر است. در مورد الگوها و سبک‌های شناختی افراد خلاق، دو زمینه اساسی در تحقیقات و نظریات مختلف مطرح شده است که شامل تداعی‌های آزاد (تداعی‌های دور از ذهن) و سبک شناختی استقلال میدانی می‌باشد. در زمینه تداعی آزاد و یا

تداعی‌های دور از ذهن، سازوکار اساسی، به خصوص در افراد خلاق، «عدم بازداری ذهنی» است که با دو عامل ارتباط دارد؛ اول، منحرف شدن به وسیله محرک نامربوط و دوم، توانایی انحراف سریع از دریافت یک محرک نامربوط و دریافت آن به صورت محرکی مربوط. در مقابل، توانایی برای قصد انتخابی و یا پاسخ به محرک مربوط و رد محرک‌های نامربوط، پایه رفتار ناسازگارانه می‌باشد.

از جمله نظریاتی که شاید اولین بار ویژگی عدم بازداری ذهنی را به خصوص در مورد افراد خلاق مورد ملاحظه قرار داده است، نظریه روان تحلیل‌گری می‌باشد؛ اینکه چگونه در تفکر اولیه فیلترهای بازدارنده ذهنی که ناشی از شکل‌گیری من می‌باشد، عمل نمی‌کند و منجر به باز بودن و گسترده‌گی تخیل و رویا می‌شود. کریس^۶ بر اساس دیدگاه روان‌تحلیل‌گری بیان داشته است که افراد خلاق نسبت به افراد غیر خلاق، بیشتر قابلیت انتقال فرآیند تفکر اولیه و ثانویه را دارا می‌باشند. فرآیند تفکر اولیه شامل درخودماندگی، تداعی آزاد، شبیه‌سازی و توانایی عمل کردن روی تصاویر عینی و انضمامی (که در تخیل و رؤیا مشهود است) می‌باشد. در مقابل، فرآیند تفکر ثانویه انتزاعی‌نگر است. مطابق این دیدگاه، افراد خلاق در انتقال از فرآیند اولیه به فرآیند ثانویه تفکر عمل می‌کنند. کریس همچنین اظهار داشته است که افراد خلاق نسبت به افراد غیر خلاق بیشتر قابلیت استفاده از تفکر اولیه روی موضوعات خنثی و بی‌ربط را دارند (دایلی^۷، مارتیندل^۸ و بورکام^۹، ۱۹۹۷). نکته‌ای که در کنار «عدم بازداری پنهان» مطرح شده، سازوکار «شمول‌گسری»^{۱۰} است که کامرون آن را برای پژوهش در مورد ناتوانی افراد مبتلا به اسکیزوفرنیا در طبقه‌بندی کلمات و مفاهیم، تحت یک عنوان و مفهوم کلی مطرح کرده است. براین اساس، عدم بازداری ذهنی سازوکاری است که فرد برای پاسخدهی به محرک‌ها، دامنه وسیعی از محرک‌های نامربوط را به صورت محرک‌هایی مرتبط در یک بعد در نظر می‌گیرد. نکته اصلی در این زمینه این است که افراد دارای روان‌پریشی گرایی بالا

1- psychoticism
3- neuroticism
5- Merten
7- Dailey
9- Borkum

2- sublimation
4- ego
6- Kris
8- Martindale
10- generalization



روان‌پریشی گرای و خلاقیت را پیگیری نموده‌اند، در این پژوهش سعی شده است، رابطه این سه متغیر به طور همزمان بررسی شود. در نهایت بر اساس اهمیتی که در بررسی خلاقیت و شناسایی ویژگی‌های خاص مرتبط با آن وجود داشته است، همچنین فقدان پژوهشی در زمینه رابطه خلاقیت و مخصوصاً ارزیابی آن با توجه به میزان تداعی‌های لغات با مؤلفه شخصیتی مهمی چون روان‌پریشی گرای و رابطه آنها با استقلال-وابستگی میدانی و همچنین با توجه به اینکه پژوهشی در زمینه بررسی رابطه روان‌پریشی گرای و استقلال-وابستگی میدانی (حداقل تا اندازه تلاش پژوهشگران) در خارج از کشور نیز بدست نیامد، این پژوهش انجام شد تا سعی شود رابطه بین روان‌پریشی گرای، استقلال-وابستگی میدانی و تداعی لغات (خلاقیت) و نیز تأثیر جنسیت بر این سه متغیر مورد بررسی قرار گیرد.

روش

روش نمونه‌گیری: جامعه مورد نظر در این پژوهش، کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه اصفهان بودند که برای نمونه‌گیری، از دو روش خوشه‌ای و تصادفی ساده و طی دو مرحله استفاده شد. در مرحله اول، از بین کلیه دانشکده‌ها، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی و در مرحله بعد از هر دو دانشکده، ۶۰ پسر و ۶۰ دختر به طور تصادفی ساده انتخاب شدند. از مجموع ۶۰ پسر شرکت کننده در این آزمون‌ها، شش دانشجوی دانشکده علوم تربیتی و چهار دانشجوی دانشکده ادبیات آزمون‌ها را تحویل ندادند. در پایان، تعداد دانشجویان گروه‌های نمونه ۶۰ دانشجوی دختر و ۵۰ دانشجوی پسر بودند، اما چون مجموع نمونه‌های انتخاب شده بیش از ۴۰ نفر بود، نیازی نبود که نمونه به تناسب جمعیت دو جنس در جامعه انتخاب شود.

ابزار و شیوه اجرا: در این پژوهش، اجرای آزمون‌ها و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه انفرادی صورت گرفت که علت آن این فرض بود که برای ارزیابی خلاقیت (به خصوص در مورد

نسبت به افراد دارای روان‌پریشی گرای پایین، از مقوله‌بندی‌های بیشتری استفاده کرده‌اند، ولی اکثر این مقوله‌بندی‌ها فاقد معنا و اغلب ابتکاری می‌باشند (آیزنک، ۱۹۹۸).

مشاهده گم‌گشتگی برخی از خلبانان هنگام پرواز در میان توده‌های ابر انگیزه‌ای شد تا ویتکین^۱ روی دیدگاه ادراکی افراد مطالعه کند. بر همین اساس، وی در سال‌های قبل از ۱۹۵۰، اولین بررسی‌ها را در مورد نقش نشانه‌های خارجی ادراک قائم و یا عمودی آغاز کرد. او در حال انجام آزمایش‌های خود دریافت که بعضی از افراد قادرند خط عمود بر یک میله عمود را بدون توجه به وضعیت شیء (قاب عکس) تعیین نمایند و برخی دیگر به طور مداوم تحت تأثیر زمینه‌ای که قاب ایجاد می‌کند قرار می‌گیرند و میله را در جهتی که قاب منعکس می‌کند، قرار می‌دهند. ویتکین دریافت افرادی که به آسانی قادر به تشخیص خط عمود هستند، افرادی می‌باشند که از نشانه‌های درونی استفاده می‌کنند و تحت تأثیر زمینه‌های محیطی یا میدانی قرار نمی‌گیرند. بنابراین آنها را «افراد مستقل از میدان»^۲ و افرادی را که تحت تأثیر زمینه قرار می‌گیرند و به نشانه‌های محیطی (موقعیت قاب) اهمیت می‌دهند «افراد وابسته به میدان»^۳ نام نهاد (هیساکر^۴، ۱۹۸۱). بررسی‌ها حاکی از آن است که یادگیرندگان وابسته به میدان به مطالب اصلی و فرعی تکالیف ارائه شده توجه یکسان نشان می‌دهند، در حالی که افراد مستقل از میدان به مطالب اصلی توجه می‌کنند و از جزئیات فرعی صرف نظر و به صورت تحلیلی عمل می‌نمایند.

افراد وابسته به میدان در مقایسه با افراد مستقل از میدان از عزت نفس کمتری برخوردارند، مطیع‌تر و پذیراترند و خلاقیت کمتری دارند. در مقابل، افراد مستقل از میدان، خودآگاه‌اند و نسبت به افراد وابسته به میدان دارای آزادی عمل، خلاقیت و ابتکار بیشتری می‌باشند (هیساکر، ۱۹۸۱).

سبک‌شناختی مستقل از میدان، به عنوان یکی از ویژگی‌های خلاقیت بیشتر، بر جدا کردن موضوع از زمینه متمرکز است، ولی تداعی لغات به عنوان یکی از ویژگی‌های شناختی مطرح شده در زمینه خلاقیت بیشتر به شمول گستره تداعی‌ها از زمینه متمایل است. لذا، چون تحقیقات اندکی به بررسی ارتباط این دو پدیده پرداخته و در ضمن تحقیقات اندکی در ایران رابطه

1- Witkin
3- field-dependence

2 - field-independence
4- Heesaker



تداعی لغات به عنوان ابزار ارزیابی کننده خلاقیت استفاده کردند. دلیل اساسی انتخاب این آزمون برای این پژوهش (در مقابل رقیب) این است که این ابزار یک فرآیند شناختی را ارزیابی می‌کند و نظریه آیزنک و تحقیقات گذشته (فودور، ۱۹۹۵؛ استاوریدو و فورنهام، ۱۹۹۶) نیز امکان وجود ارتباط میان تمایلات شخصیتی روان‌پریشی گرای و خلاقیت (شمول‌گستری در تفکر) را نشان داده‌اند.

در مورد چگونگی ارزیابی تداعی‌های دور از ذهن، هر چند که محدودیت‌هایی در زمینه هنجاریابی این آزمون و تعیین ملاک برای اینکه چه لغاتی به صورت دور از ذهن و یا معمول برای هر کلمه در جامعه ایرانی می‌بایست در نظر گرفته شود وجود داشت، ولی این پژوهش ارزیابی شخصی پژوهش‌گران را در مورد نوع تداعی‌ها (البته بر اساس مقایسه نوع تداعی‌های آزمودنی‌ها با یکدیگر) به کار گرفته است. بر این اساس تداعی‌های فراوانتر بیان شده برای هر لغت در بین آزمودنی‌ها به عنوان تداعی‌های معمول و تداعی‌های خاص و یگانه به عنوان تداعی‌های دور از ذهن در نظر گرفته شده بود.

برای به دست آوردن پایایی این آزمون برای حتی یک تداعی دور از ذهن و یا بیشتر برای یک لغت، نمره یک و برای عدم پاسخ دور از ذهن نمره صفر داده شد که بر این اساس میزان ضریب پایایی آلفای کرونباخ این آزمون ۰/۸۷ به دست آمد.

یافته‌ها

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد بین دختران و پسران دانشجوی تفاوتی در میزان روان‌پریشی گرای و استقلال-وابستگی میدانی وجود ندارد، اما در مورد تداعی لغات (خلاقیت) بین دختران و پسران تفاوت وجود داشته، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خلاقیت پسران از دختران بیشتر است.

آزمون تداعی لغات) می‌بایست زمان نامحدود باشد که این با اجرای گروهی میسر نمی‌گردد.

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از: آزمون مجموعه اشکال پنهان شده^۱ (GEFT) برای سنجش استقلال-وابستگی میدانی ادراکی، مقیاس روان‌پریشی گرای (p) برگرفته از کتاب خودشناسی آیزنک و مقیاس تداعی لغات محقق ساخته برای ارزیابی خلاقیت.

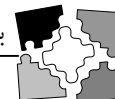
آزمون مجموعه اشکال پنهان شده (GEFT): این آزمون را ویتکین^۲، اولتمن^۳، راسکین^۴ و کپ^۵ (۱۹۷۱) به منظور ارزیابی سبک شناختی استقلال-وابستگی میدانی ساختند. این آزمون شامل سه بخش می‌باشد که بخش تمرینی آن نمره‌گذاری نمی‌شود. آزمون GEFT ۱۸ نمره دارد که نمرات بالا نمایانگر سبک شناختی مستقل از میدان می‌باشد. پایایی این آزمون به وسیله روش دو نیمه کردن ۰/۸۹ و بر اساس روش بازآزمایی پس از ۳ سال ۰/۸۹ گزارش شده است (همان‌جا). در سال ۱۹۹۶، واکرو^۶ و همکاران با روش دو نیمه کردن، پایایی ۰/۸۶ را برای این آزمون گزارش کردند (آگاهی، ۱۳۸۱). موسوی (۱۳۷۷) ضریب همسانی درونی آزمون را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ گزارش داد. آتور^۷ و دی^۸ (۱۹۹۱) ضریب روایی همزمان این آزمون را با آزمون هوشی ریون ۰/۶۲ به دست آوردند.

آزمون روان‌پریشی گرای: این آزمون شامل ۱۵ سؤال است که از کتاب خودشناسی آیزنک و ویلسون (۱۳۷۹) از مجموعه سؤالات در مورد سنگ‌دلی و نازک‌دلی استخراج گردید. ضریب پایایی آلفای کرونباخ این آزمون در این پژوهش، ۰/۷۲ به دست آمد. مولوی (۱۳۷۷) ضریب پایایی پرسشنامه روان‌پریشی گرای برگرفته از کتاب خودشناسی آیزنک و ویلسون (۱۳۷۹) را در دانشجویان رشته‌های مشاوره و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۷۴ بدست آورد که میزان آن رضایت‌بخش بود.

آزمون تداعی لغات: در این آزمون، ۲۵ لغت به آزمودنی‌ها ارائه شد که نمره نهایی افراد در این آزمون با تقسیم مجموع لغات دور از ذهن، بر تعداد پاسخ‌ها و به صورت نمره درصدی به دست آمد. دایلی و همکاران (۱۹۹۷)، استاوریدو^۹ و فورنهام^{۱۰} (۱۹۹۶) و فودور^{۱۱} (۱۹۹۵) در بررسی‌های خود در مورد خلاقیت، از آزمون

1- Group Embedded Figures Test
3- Oltman
5- Kapp
7- Authur
9- Stavridou
11- Fodor

2- Witkin
4 - Raskin
6 - Walkrow
8 - Day
10 - Furnham



جدول ۲- ضرایب همبستگی بین سه متغیر روان‌پریشی گرای، استقلال-وابستگی میدانی و تداعی لغات (خلاقیت)

شاخص‌های آماری	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	مجذور ضریب همبستگی
روان‌پریشی گرای و تداعی لغات (خلاقیت)	۱۱۰	-۰/۲۲	۰/۰۲۳	۰/۰۴
استقلال-وابستگی میدانی و تداعی لغات (خلاقیت)	۱۱۰	۰/۰۱	ns	۰
استقلال-وابستگی میدانی و روان‌پریشی گرای	۱۱۰	-۰/۳۱۸	۰/۰۰۱	۰/۱

در گام بعدی به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در ۳ متغیر تداعی لغات (خلاقیت)، استقلال-وابستگی میدانی و روان‌پریشی گرای داده‌ها تحت تحلیل واریانس چند متغیری قرار گرفتند، که در جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس تأثیر جنسیت بر سه متغیر یاد شده آمده است. ضمناً چون حجم نمونه‌ها بزرگ بودند نیازی به آزمون لوین در مورد تساوی واریانس‌ها وجود نداشت.

چنانکه جدول ۳ نشان می‌دهد بین میانگین نمرات تداعی لغات (خلاقیت) در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$) که نشان دهنده برتری میزان تداعی لغات (خلاقیت) دانشجویان پسر ($\bar{x} = ۲۸/۲۴$) نسبت به دانشجویان دختر ($\bar{x} = ۲۰/۱$) است. این در حالی است که تفاوت معناداری در بین دو جنس در مورد دو متغیر استقلال-وابستگی میدانی و روان‌پریشی گرای به دست نیامد.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمرات آزمون روان‌پریشی گرای، استقلال-وابستگی میدانی و تداعی لغات (خلاقیت) در بین دانشجویان دختر و پسر

متغیرهای تحقیق	شاخص‌های آماری	تعداد	میانگین	انحراف معیار
روان‌پریشی گرای	پسر	۵۰	۶/۶۵	۲/۳۶
	دختر	۶۰	۶/۴۴	۲/۲۰
استقلال-وابستگی میدانی	پسر	۵۰	۱۱/۱۰	۳/۱۵
	دختر	۶۰	۱۰/۵۱	۳/۱۱
تداعی لغات (خلاقیت)	پسر	۵۰	۲۸/۲۴	۳۱/۷۶
	دختر	۶۰	۲۰/۱	۱۶/۷۶

جدول ۲ میزان همبستگی متغیرهای روان‌پریشی گرای، استقلال-وابستگی میدانی و تداعی لغات (خلاقیت) را نشان می‌دهد.

چنانچه جدول ۲ نشان می‌دهد بین نمرات روان‌پریشی گرای و تداعی لغات (خلاقیت) همبستگی معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۳$)، بدین معنا که بر اساس این رابطه هرچه روان‌پریشی گرای بیشتر باشد خلاقیت کمتر است و برعکس.

بین نمرات استقلال-وابستگی میدانی و تداعی لغات (خلاقیت) دانشجویان رابطه‌ای بدست نیامد. همچنین بین نمرات روان‌پریشی گرای و استقلال-وابستگی میدانی رابطه منفی معناداری به دست آمد ($p < ۰/۰۱$).

جدول ۳- تحلیل واریانس تأثیر جنسیت بر ۳ متغیر روان‌پریشی گرای، استقلال-وابستگی میدانی و تداعی لغات

شاخص‌های آماری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	ضریب F	سطح معناداری	مجذور اتا	توان آماری
جنسیت و تداعی لغات (خلاقیت)	۱۷۸۲/۹۶	۱	۴/۸۴	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۵۸
جنسیت و استقلال-وابستگی میدانی	۹/۵۵	۱	۰/۹۸	ns	۰/۰۰۹	۰/۱۶
جنسیت و روان‌پریشی گرای	۱/۱۸۴	۱	۰/۲۲۹	ns	۰/۰۲	۰/۰۷



بحث

نتایج نشان می‌دهند که بین نمرات روان‌پریشی گرای و تداعی لغات (خلاقیت) رابطه منفی معناداری وجود دارد. بر اساس نتیجه فوق، هرچه میزان روان‌پریشی گرای بیشتر باشد، میزان تداعی لغات (خلاقیت) کاهش می‌یابد و بالعکس. این نتیجه با نتایج دایلی و همکاران (۱۹۹۷) هماهنگ و برخلاف نتایج آیزنک (۱۹۹۸)، فودور (۱۹۹۵) و استاوریدو و فورنهام (۱۹۹۶) می‌باشد که شاید علت آن نوع جامعه مورد بررسی باشد، زیرا تحقیقاتی که بین این دو متغیر رابطه مثبت معناداری به دست آورده‌اند، جامعه مورد بررسیشان یا هنرمندان بوده‌اند که هدف، بررسی روان‌پریشی گرای در آنها بوده است (همچون مرتن و فیشر، ۱۹۹۵) و یا افرادی بوده‌اند با روان‌پریشی گرای بالا که خلاقیت آنها مورد بررسی قرار گرفته است (برکوویتس، ۲۰۰۰). در این حال، جامعه مورد بررسی این پژوهش از بین دانشجویان انتخاب شده‌اند.

در هر حال، چنانچه فودور (۱۹۹۵) مطرح کرده است، علت اساسی وجود ارتباط بین روان‌پریشی گرای و خلاقیت، در «توانمندی من» است و لذا روان‌پریشی گرای با توجه به دارا بودن این ویژگی زمینه بروز عملکرد خلاق را فراهم آورده است. نتیجه اینکه بین روان‌پریشی گرای و خلاقیت یک رابطه مثبت مستقیم برقرار نبوده و آن عاملی که به ارتباط مثبت آنها منجر شده است، همین ویژگی «توانمندی من» می‌باشد.

نتایج گویای این مطلب بود که بین سبک شناختی استقلال-وابستگی میدانی و تداعی لغات (خلاقیت) رابطه معناداری وجود ندارد، هرچند که بسیاری از تحقیقات بین این دو متغیر رابطه معناداری به دست آورده‌اند (آگاهی، ۱۳۸۱). شاید اختلاف در نتایج، به نوع روش‌ها و آزمون‌های مختلف ارزیابی خلاقیت باز گردد. شاید آزمون تداعی لغات که حاوی جنبه‌های انتزاعی بیشتر و ارزیابی کلمات می‌باشد، با آزمون تصویری تورنس که در تحقیقاتی چون آگاهی (۱۳۸۱) در جامعه ایرانی استفاده شده است، تفاوت بنیادین داشته باشد، چون از دو منبع ادراکی متفاوت نشأت می‌گیرند. خود این موضوع ضرورت بررسی‌های بیشتر در مورد روایی هر دو آزمون خلاقیت را ضروری می‌نماید.

یافته دیگر این پژوهش مبین این مطلب می‌باشد که بین نمرات

روان‌پریشی گرای و استقلال-وابستگی میدانی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. هرچند که در این زمینه پژوهشی که رابطه این دو متغیر را چه در داخل و چه در خارج کشور مورد بررسی قرار دهد بدست نیامد ولی چنانچه در مقدمه بیان شد می‌بایست انتظار رابطه‌ای مثبت و معنادار بین سه متغیر روان‌پریشی گرای، استقلال-وابستگی میدانی و تداعی لغات (خلاقیت) داشته باشیم. ولی در این پژوهش رابطه بین روان‌پریشی گرای و تداعی لغات از یک طرف و روان‌پریشی گرای و استقلال-وابستگی میدانی از طرف دیگر منفی بود و رابطه معناداری بین تداعی لغات و استقلال-وابستگی میدانی به دست نیامد، که شاید علت اساسی این اختلافات، نمونه‌گیری از افراد عادی دانشجوی باشد و اگر ارزیابی دیگری در بین افراد خاص روان‌پریش انجام گیرد نتایج به شکل متفاوتی به دست آیند.

یافته‌ها بین میانگین نمرات تداعی لغات (خلاقیت) دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری را نشان داد. این یافته دقیقاً مبین یک واقعیت تاریخی است که عملکردهای خلاق به وسیله مردان شکل گرفته و سهم زنان در خلاقیت‌های بزرگ تاریخ کمتر بوده است. اگرچه این برتری می‌تواند نشان دهنده واقعیتی در جامعه باشد، ولی گواهی بر تمایز ذاتی بین دو جنس چنانچه آیزنک (۱۹۹۸) بیان می‌دارد، نیست. این برتری می‌تواند ناشی از نابرابری‌های موجود در جامعه نسبت به دو جنس و نیز از محدودیت‌هایی که در طول تاریخ بر زنان اعمال شده است، باشد.

نتایج نشان می‌دهد که میان دانشجویان دختر و پسر در سبک شناختی استقلال-وابستگی میدانی تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته‌ها مغایر با نتایج شفر^۱ (۱۹۹۶)، ویتکین و گودیناف^۲ (۱۹۸۱) می‌باشد که در بررسی‌های خود، استقلال میدانی بیشتری را در پسران به دست آورده‌اند. در ضمن چاین^۳، گارد^۴، دمیک^۵ و دی‌وس^۶ (۱۹۹۱) با مقایسه دختران و پسران پیش دبستانی به این نتیجه دست یافتند که دختران نسبت به پسران از استقلال میدانی بیشتری برخوردارند. تنها بوسان^۷ (۱۹۹۲) در جامعه غیر ایرانی، در

1- Sheffer
3- Chynn
5- Demick
7- Bussan

2 - Goodenough
4 - Garrod
6 - Devos



متفاوت است، اما از آنجا که در مورد تفاوت دو جنس در زمینه روان‌پریشی‌گرایی (به ویژه در جامعه ایران) تحقیقات اندکی شده است، قضاوت در این مورد نیازمند تحقیقات بیشتر می‌باشد. در پایان، به دلیل اهمیت خاص شناسایی وجوه مختلف ویژگی‌های شخصیتی و شناختی افراد خلاق در شناسایی تمایزات، محدودیت‌ها و نقاط قوت آنها و به منظور ایجاد برنامه‌های آموزشی و امکانات ویژه برای آنها (به خصوص در جامعه ایران) پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات بعدی رشته‌های علوم پایه و تجربی جدا از رشته‌های علوم انسانی مورد بررسی قرار گیرد و با توجه به جدید بودن کاربرد آزمون تداعی لغات در ارزیابی ویژگی خلاقیت در جامعه ایرانی، این آزمون در جامعه ایران هنجارسازی گردد.

زمینه سبک‌شناختی مستقل از میدان در دو جنس، تفاوت معنی‌داری به دست نیاورد. پژوهش حاضر با دو تحقیق دیگر در این زمینه (حسن‌شاهی، ۱۳۷۹؛ آگاهی، ۱۳۸۱) که هر دو در جامعه ایران انجام شده‌اند، همسو می‌باشد. شاید اختلاف نتایج تحقیقات در جامعه ایرانی و غیرایرانی ناشی از متفاوت بودن سبک‌شناختی استقلال-وابستگی میدانی افراد در جامعه ایران و جوامع غربی باشد. در کل با توجه به هرچه کم‌رنگ شدن نقش‌های کلیشه‌ای مرد و زن می‌توان انتظار داشت که سبک‌ها و الگوهای شناخت در دو جنس بیشتر به همدیگر نزدیک شوند و زنان مستقل‌تر فعالیت نمایند.

نتیجه به دست آمده از فرض دیگر تحقیق، بین دو جنس در زمینه روان‌پریشی‌گرایی تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد. هرچند نتایج تحقیقات آیزنک (۱۹۹۸) و مولوی (۱۳۷۷) در این زمینه

منابع

- آقایی فیشانی، ت. (۱۳۷۷). *خلاقیت و نوآوری در سازمان‌ها*. تهران: انتشارات ترمه.
- آگاهی، ب. (۱۳۸۱). بررسی رابطه میان خلاقیت و استقلال میدانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.
- آیزنک، اچ. ج. و ویلسون، ج. (۱۳۷۹). *خودشناسی (ترجمه ش. قهرمان)*. تهران: انتشارات شباویز.
- موسوی، ز. (۱۳۷۷). استقلال-وابستگی میدان ادراکی و ورزشکاران ماهر و نیمه ماهر در مقایسه با افراد عادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- مولوی، ح. (۱۳۷۷). بررسی اعتبار پرسشنامه ارزشیابی خود در رابطه با روان‌پریشی در پرسشنامه شخصیتی آیزنک. *مجله اندیشه و رفتار*، ۳(۴).

Authur, J.W., & Day, D.V. (1991). Examination of the construct validity of alternative measures of field dependence/independence. *Perceptual and Motor Skills*, 72, 851-859.

Bercovitz, B.H. (2000). The modulation of latent inhibition by field-dependency: Is it related to the attentional dysfunction in schizotypy? *Personality and Individual Differences*, 3, 1719-1729.

Dailey, A., Martindale, C., & Borkum, J. (1997). Creativity, synesthesia and physiognomic perception. *Creativity Research Journal*, 10, 1-8.

Eysenck, H.J. (1998). *Intelligence: A new look*. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers.

Fodor, E.M. (1995). Subclinical manifestations of psychosis-proneness, ego-strength, and creativity. *Personality and Individual Differences*, 18, 635-642.

Guilford, J.P. (1959). Guilford structure of intellect model. *American Psychologist*, 14, 470.

Heesaker, M. (1981). A review of this history of field dependence. Los Angeles. C. A. Paper Presented at the Annual Convention of American Psychological Association.

Merten, T. (1995). Factors influencing word-association responses: A reanalysis. *Creativity Research Journal*, 8, 249-263.

Stavridou, A., & Furnham, A. (1996). The relationship between psychoticism, trait-creativity and the attentional mechanism of cognitive inhibition. *Personality and Individual Differences*, 21, 143-153.

Witkin, H.A., Oltman, P.K., Raskin, E., & Kapp, S. (1971). *A manual for the Embedded Figures Test*. Consulting Psychologists Press, California.